

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

چهارشنبه ۱۸ سرطان ۱۳۶۵
July 9, 1986
سال ششم شماره ۲۶۴
شماره مسلسل ۱۴۷۶
سال تاسیس ۱۳۵۹

مواظبت از فرزندان وطن

انقلاب ثور سرنوشت جدیدی برای مردم افغانستان گشود. درنتیجه پیروزی این انقلاب خلق کشور ما راه زندگی دموکراتیک، مرفه، سربلند و مستقل را در پیش گرفت. خلق ها در هر کجای از این سیاره که هستند حق دارند برضد سیستم های اقتصادی- اجتماعی ظالمانه و رژیم های سیاسی برخاسته از آن، پرچم مقاومت بر افرازند وراه و شیوه زندگی خود را تعیین نمایند. این حق مسلم خلق ها درمبارزه علیه استبداد واستثمار است.

مردم ماهمین کاررا کردند. ساز و برگ مناسبات اقتصادی - اجتماعی ظالمانه و رژیم سیاسی آنرا که به حد کافی فاسد و باردوش جامعه شده بود، ازمیان برچیدند، همزمان با آن، ارتجاع منطقه و امپریالیزم جهانی بر آشفتند به مقابل انقلاب ما بر آمده و جنگ اعلام ناشده راعلیه مردم، دولت و انقلاب ما براه انداختند، چرا؟ بخاطری که مناسبات ورژیمی که برچیده شد حلقه یی بود در سیستم ارتجاع وامپریالیزم جهانی و انقلاب، ضربه یی بود بر منافع ارتجاع وامپریالیزم دراین گوشهٔ جهان.

انقلاب و دست آورد های آن، دست آورد های مردم ما در ابعاد مختلف موردهجوم و حمله دشمن قرار گرفت چنانکه هنوز این حملات و سبوتاژ، هنوز این جنگ اعلام ناشده ادامه دارد، انقلاب در برابر این جنگ از خود دفاع می کند. درمقام دفاع مشروع و به خاطر دفع جنگ اعلام ناشده، مردم، فرزندان وطن دلاورانه به کارزار شتافتند. چنانکه هنوز در سنگر های مقدس انقلاب سرگرم نبرداند. نبرد تا پایان، تا قطع آخرین مداخلات و تلاش های دشمن.

مادر این جنگ قربانی های زیادی داده یم. بهترین فرزندان وطن در ین کارزار مجروح، معلول و یا به شهادت رسیدند. هزاران هزاردیگر در صورت ضرورت فدای حزب، دولت و انقلاب آماده قربانی اند. بیگمان فرزندان وطن که در سنگر های نبرد انقلابی قرار دارند، باور دارند که وطن و انقلاب از مجروحین، معلولین، شهدا و بازمانده گان شهدا پرارج و شکوهمند مواظبت می کنند. آنهایی که از وطن دفاع کرده اند وطن از آنها دفاع می کند، دولت ازآنها دفاع می کند، حزب ازآنها دفاع و مواظبت می کند. مصوبه مشترک بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و شورای وزیران ج.د.ا، در باره مواظبت مجروحین، معلولین وبازمانده گان شهدای راه انقلاب گواه روشنی براین امر است. گواه روشن بر سپاسگزاری وتکریمی است که مردم، حزب و دولت در برابر قهرمانان و فرزندان راستین خویش در برابر آنانیکه زنده گی و غرور ما اند ایفا می نمایند. بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای وزیران به مراجع و ارگان های مسوول وظیفه داده است به خاطر مواظبت ازاین قهرمانان، ازبازمانده گان شهدا اقدامات وتدابیر مشخص روی دست بگیرند. تشدید کار اعمار و تاسیس کمپلکس مجهزاحیای مجدد معلولین و معیوبین، آموزش و پرورش کادر های فنی برای احیای مجددمعلولین و معیوبین که باید بوسیله کمیته دولتی پلان گذاری و وزارت صحت عامه سازمان یابد بخشی از همین اقدامات است. اتخاذ تدابیر و تهیه امکانات ((برای اعزام تداوی و پروتیز آنعده مجروحین ومعلولین راه انقلاب که در داخل کشور تداوی شده نمی توانند، به خارج)) بخشی دیگر را در مجموع این اقدامات تشکیل میدهد.

مقرره تثبیت در جه معلولیت، ایجاد تسهیلات لازم برای آنها و نیز ارائه طرح تعدیل مواد قانون حقوق و امتیازات مجروحین، معلولین و باز مانده گان شهدای راه انقلاب، که وزارت عدلیه باید آنرا آماده سازد، وغرض تصویب به مرجع مسوول ارائه نماید، از اقدامات بنیادی در این روال است.

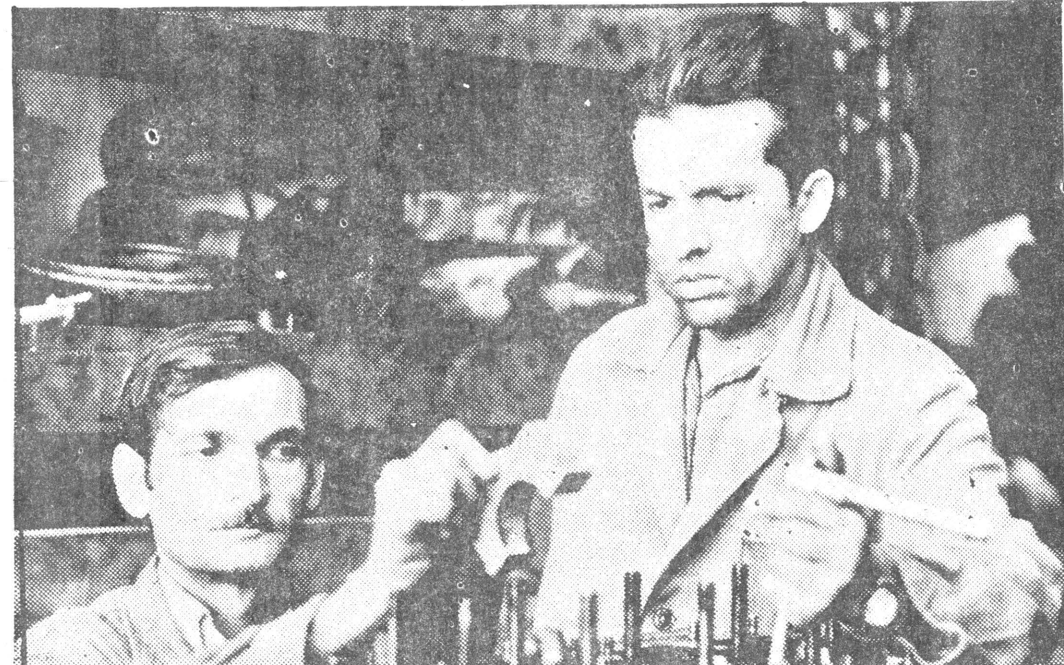
تثبیت سهمیه معین در توزیع منازل مسکونی، اعمار منازل رهایشی ارزان قیمت برای آنها در شهر کابل و ولایات، تسهیلات برای کاریابی، تحصیل و غیره، تهیه کارت های مخصوص امتیازی برای آنها، به خاطر ایجاد تسهیلات هنگام مراجعه آنها بموسسات تامین احتیاجات، توزیع کوپون مواد ارتزاقی و یا تفاوت آن مراتب عالی قدر شناسی و سپاسگزاری حزب و دولت را نسبت به این فرزندان نستوه و دلیر خلق ما میرسانند. این اقدامات همه و همه بیانگر آنند که حزب و دولت قهرمانان و رزمنده گانی راکه به خاطر سعادت وطن، دفاع از استقلال و آزادی آن سینه سپر می کنند، برای یک لحظه هم فراموش نمی نماید.

در کارخانه و کشتزار

کارگران ودهقانان زحمتکش کشور ما نیروی پایان ناپذیری اندکه در اتحاد با همدیگر وثیقه نهایی پیروزی انقلاب را بدست میدهد.

عکس ها: (از راست به چپ) عبد الظاهر و امان الله دوتن از کارگران ورکشاپ مرکزی صحت عامه ومحمد ظریف دهقان از قریه ده دانای ولایت کابل. عکاسی شریف





پیام تبریکیه

از طرف رفیق نجیب منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اخیراً پیام تبریکیه عنوانی رفیق ویچیخ یاروز لسکی منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری پولند به مناسبت انتخاب مجدد شان در مقام منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری پولند مخابره شده است.

در پیام آمده است:

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با شما رفیق عزیز بمثابه شخصیت بر جسته حزب متحد کارگری پولند و جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری آشنایی کامل داشته و به سهم فعال شما در امر مبارزه علیه توطئه ها و دسایس شیطانی امپریالیزم ووابستگان آن و دفاع از دستاورد های سوسیالیزم و تحکیم صلح جهانی ارج فراوان قایل است.

در پیام ضمن ابراز رضایتمندی از مناسبات نیک برادرانه موجود میان احزاب،

(ص ۲)

درامتداد قله‌ها

جوره سرباز داوطلب وقهرمان قطعه نمبر یک اوپراتیفی خارندوی، از سال ۱۳۵۹ تاکنون در بیش از ۳۶۰ عملیات رزمی شرکت فعال ورزیده و سه مدال ((د بنه پوځی خدمت په خاطر)) را دریافت داشته است.
اینک گوشهٔ کوچکی اززندگی، کار ورزم او:

جوانک نورسته ومرد کهنسال هردوازبیشه‌هاو کنارهای کوهستان، آرام وبی خروش ردمی شوند. پدر و پسر زادگاه خویش راکه دهکده سرسبز و آباد بوده است، اینک درفصل بی باران وگرسنه یی ترک می گویند:

چتر آسمان درهول گرما می سوزد. گله های ابر دربیشه های دور وخاموش خفته اندو چشمه سار نیلگون بالا قطره آبی از برای گریستن ندارد. مزارع در انتظار نم نم باران ترکیده اند. قامت نورسته گندم در هجوم گله های بیشمار ملخ های گرسنه به تاراج رفته است. باغستان ها، بی بار و بر اند.

((ساچ))، پرنده گان حامی گیاه و نبات در این هجوم بامنقار های بسته وبالهای خونین طعمه بی آزار ملخ هاشده‌اند. از این فضای ابر باد رفته وبی امید راهیان بیشماری رخت سفر کشیده اند وحالا این پیر وجوان نیز دربی لقمه نانی راهی شهرهای دور تر اند.

فاصله هاباشتاب طی می شوندواین دورهرو دردامنه‌های آخرین بلندی نزد یک دهکده بی هیچ اراده براهی که در خط عبور آنان تازادگاه شان ادامه یافته است، می‌نگرند. آنجا درمیان خانه های گلی وفقر زده دهکده ((رانیج))مربوط علاقه‌داری ((راغ))مادری بادو

ص۳



رفیق ببرک کارمل هنگام ملاقات

عکاسی باختر

وحدت حزب رابنام شرف وناموس وطن باید حفظ کرد

رفیق ببرک کارمل عضو بیروی سیاسی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا، قبل ازظهر دیروز اعضای کمیته اجرائیوی شورای نماینده گان مردم شهر کابل و اعضای کمیته اجرائیوی شورای نماینده گان مردم ناحیه‌دهم شهر کابل را در مقر شورای انقلابی پذیرفتند.

در این‌دیدار نخست رفیق ببرک کارمل از اشتراک کننده گان ملاقات، راجع به وضع زنده گی و معیشت، خواسته ها و نیازمندی‌های مردم. قیم مواد مورد نیاز اولیه، آب آشامیدنی، صحت، تعلیم و تربیه، مسکن، سرک و سایر موارد زنده گی مردم بخصوص بر خورد ماموران دولت بامردم معلومات‌خواستند. درین ملاقات اعضای شورای نماینده گان مردم شهر کابل و ناحیه دهم، محمد رحیم رئیس کمیته اجرائیه‌شورای نماینده گان مردم ناحیه‌دهم شهر کابل، عبدالواحد نماینده چارقلعه وزیر آباد، لیلی ظریف نماینده قلعه فتح الله، ارجنداس عضو شورای مشورتی اقتصادی، عبدالواحد سرابی وزیر مشاور و ولی محمد عبدیانی رئیس شورای نماینده گان مردم شهر کابل گزارشات شانرا در رابطه به خواسته های مردم و کار و فعالیت جرگه های مربوطه ارائه داشته، مشکلات و نارسایی ها رادرفضای کاملا صمیمانه و دموکراتیک مطرح کردند.

رفیق ببرک کارمل اظهار داشتند تا در مورد مشکلات و دشواریهای مردم شهر کابل یادداشتهای تهیه و موضوع جهت رفع این پرابلمها با مراجع مربوطه دولتی در میان گذاشته‌شود تا در حدود امکانات دست داشته در رفع‌آنها اقدام‌شود.

سپس رفیق‌ببرک کارمل در رابطه به امر رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دولت و حکومت ج.د.ا بیانیه همه‌جانبه‌رهنمودی‌ایراد کردند.

متن بیانیهٔ رفیق ببرک کارمل

دوستان عزیز!

رفقا!

با علاقه زیاد صحبت های شمارا در باره کار ووظایف کمیته اجرائیوی جرگه (شورای) نماینده‌گان مردم ناحیه ۱۰ شهر کابل شنیدم. نخست ازهمه‌مراتب تشکرات قلبی خود را به شماو رفقای همکار شما بخاطر کار ثمر- بخش به نفع مردم ووطن ما، به‌نفع آرمانهای انقلاب ثور ابراز میدارم.

در حالیکه گزارش تانرا

(ص۲)

وحدت حزب را بنام شرف وناموس وطن باید حفظ کرد

متن بیانیهٔ رفیق ببرک کارمل

(بقیه صفحه اول)

استماع مینمودم بفکر مطالب زیاد انقلابی افتاده بودم و از جمله به این نتیجه میتوان رسید که انتخابات ها واقعاً تاکنون آزاد و مطابق به عنعنه دموکراتیک بوده است، که در جریان آن هزاران تن از بهترین کارگران، دهقانان، اهل کسبه، روشنفکران، نمایندگان روحانیون، متشبثین خصوصی، زنان و جوانان انتخاب میگردند. این انتخابات ازاعماق توده های مردم سازماندهندگان با استعداد ووطنپرستان واقعی را بیرون کشیده که عملا بیانگر دموکراسی و حاکمیت مردم، افغان بشمار میرود.

بلی! شما هستید که این حاکمیت را بدست آورده اید. شما خود ایجادگران هستید وبه شما یعنی به خلق تعلق دارد و هرگزآن را به هیچکس واگذار نخواهید کرد.

بعداز این بیرون کشیدن این قدرت از دست شما، از دست خلق ما ناممکن است واین قدرت حاکمیت خلق روز تاروز رشد وتکامل می یابد.

بدون شك این مطلب مورد دلچسپی شما قرار میگیرد که انتخاباتی که موفقانه ۱۱ ماه قبل در ناحیه نهم شهرکابل دایر شده بود، در ۱۸ولایت کشور به انجام رسیده است. تاکنون در فعالیت انتخاباتی بیش از یك ملیون نفر از هموطنان ما شرکت ورزیده اند. به نظر من این بهترین نمونه پشتیبانی سیاست حزب ما حزب دموکراتیك خلق افغانستان و دولت دموکراتیك ما از جانب مردم میباشد. جرگه هاویاشوراها که یکی از آنها جرگه شما میباشد، در ۱۳۰۰ محل سکونت فعالیت مینماید. شما بنابر ارادهٔ مردم مواظبت از تامین احتیاجات و خواستهای اهالی را که پروبلم های بزرگ و کوچك ولی همیشه حیاتی را بمیان میاورد، بدوش خود گرفته اید. بدین ترتیب شما خدمتگاران مردم هستید وباید هم باشید.

خدمتگزار بودن مردم زحمتکش وآزادهٔ ما افتخار بزرگی است.

خدمتگزار بودن مردم قهرمان و انقلابی ما فضیلت بزرگی است، که نصیب شما شده است.

خدمتگزار بودن مردم ماکه علیه امپریالیزم، ارتجاع و ضد انقلاب مبارزه مینماید، دلیری ومردانگی بزرگی است. که ازپدران ونیاکان ما بمثابه گنجینه ملی به میراث مانده است.

کمیته مرکزی، شورای انقلابی و حکومت همه توانایی خود را بخرچ میدهند تا شما خدمتگزاران شایستهٔ مردم وظایف ملی، اسلامی، انسانی ومدنی خود را به نحو بهتر، سازنده تر، ابتکاری ترونو آورتر ادا نمایید. ادارات مرکزی که مصروف امور ارگانهای محلی قدرت واداره دولتی خواهند بود، ایجاد گردیده است. تمام موسسات مرکزی توجه خود را به جرگه ها وشوراهای جدید تشدید خواهند بخشید.

حکم انقلاب است که پس از تدویر پلینوم های شانزدهم، هفدهم وهجدهم کمیته مرکزی هنگامیکه باز سازی کار حزبی – سیاسی و دولتی براه انداخته شده است ماو شما بایدکار خود را هم در مرکز وهم در محلات سریعتر بهبود بخشیم.

کمیته مرکزی حزب ما و بیروی سیاسی آن کار موثر وهدفمندی را جهت بازسازی امور از خود نشان داده و میدهند. آنها پیوسته به حزب ومردم عملا یاد آوری نموده ومی نمایند که بازسازی در جریان مبارزه نوبا کهنه پیش خواهد رفت و اگر با اعمال انقلابی تحکیم یابد، موفقانه تر پیش خواهدرفت. شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان و هیات رئیسه آن از مشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان جهت باز سازی وموثریت اشکال وشیوه های کار ما بخاطر حل هرچه سریعتر مسایل انقلابی پشتیبانی مینماید.

من در پروسه نو آوری های انقلابی قانون دیالکتیکی را می بینم که انقلاب ملی و دموکراتیك خلق افغان هیچ وقت توقف نمیکند، همیشه ادامه ورشد می یابد وبه پیروزی نهایی میرسد. درست بدین علت من موثریت درکار سازنده و باز سازی را به پروسهٔ تحولات انقلابی ارتباط میدهم.

انقلاب مطالب زیادی را بعهده دارد وهر یکی از ما باید آن وظیفه را که انقلاب بعهده ما محول ساخته است صادقانه اجرا نماییم.

امروز هنگامیکه با شما ملاقات دارم یکبار دیگر از طرف شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان و هیات رئیسه آن تصمیم پلینوم هجدهم را درارتباط به انتخاب رفیق نجیب بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان مورد تائید و پشتیبانی قرار میدهم واز صمیم قلب از حزب قهرمان و انقلابی خود، از کمیته مرکزی و بیروی سیاسی آن بخاطر اعتماد بزرگی که با سپردن ریاست شورای انقلابی و صدر هیات رئیسه آن بالای من صورت گرفته است، ابراز رضایت و سپاسگزاری مینمایم.

دیگر حرفی برای دیگران باقی نمیگذارد. شورای انقلابی مسایل زیادی را بعهده دارد. زیرا طرح و تدوین قوانین جدید جریان دارد و کار عظیم در رابطه با تهیه قانون اساسی جدید جمهوری دموکراتیك افغانستان به پایان میرسد. ما مسوده آنرا جهت نظرخواهی واقعاً آزاد و دموکراتیك به نشر خواهیم سپرد.

اما خواهشمندم که این مطلب را درست درك نمائید که قانون اساسی صرف سر آغاز کار عظیم در راه ساختمان دولت دموکراتیك و نوین انقلابی خلق افغان میباشد. ولی طوریکه حزب می آموزاند که در عقب کارهای عظیم باید مردم رادید. باید انسان زحمتکش رادید با وی در حرف و عمل کمك نمود. باید کنترول را از پایان تقویه نمود. در غیرآن مسوولان به مامورانی پشت میز و بیروکرات عاطل و باطل مبدل خواهند شد. کنترول و مبارزه علیه ظلم و فساد، رشوه ستانی و روان کهنه و انحرافی هم اهمیت بسزائی دارد.

شورای انقلابی و ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی امکانات و ذخایر زیاد استعمال ناشده را بدسترس دارد. باید هر چه زودتر این امکانات و ذخایر را بکار انداخت. میخواهم به سابقه داران حزب و تمام اعضای حزب ما خطاب کنم. بیائید بصورت هر چه فعالتر تصامیم پلینومهای شانزدهم، هفدهم و هجدهم کمیته مرکزی راجامه عمل بپوشانیم بیائید بخاطر توسعه پایه های اجتماعی حاکمیت انقلابی مبارزه نمائیم، ما به جنگ اعلام ناشده ارتجاع و امپریالیزم کشانیده شده ایم و هر روز پر بهاترین ثروت ملی ما یعنی جان های جوانان ما قربان میشوند. لذا پیوسته و هر چه فعالتر بخاطر پاکیزه گی صفوف حزب، بخاطر تحکیم وحدت و انضباط حزبی مطابق به اصول و موازین حزب خود، حزب دموکراتیك خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان علیه هرگونه مظاهر فرکسیونیزم و گروه بندی مبارزه نمائیم. زیرا بدون حزب طراز نوین، با انضباط آهنین و یکپارچه رهبری پیروزمندانه انقلاب، جامعه و دولت ناممکن است. دراین اوضاع و احوال باید باعمل انقلابی و سلاح حزب خود به خرابکاریها و دروغپراگنی های رادیو های امپریالیستی و دشمنان خارجی و ضد انقلاب داخلی جواب دندان شکن داد.

با استفاده از صحبت های صمیمانه بار دیگر به تاکید و به صراحت اعلام میدارم که ما فرزندان صدیق حزب خود هستیم و باید باشیم وبمثابه سرباز حزب خود بحیث یك وطنپرست پر شور و انترناسیونالیست وظایف انقلاب وخدمت به خلق و وطن خود را برای یك لحظه فراموش نمیکنیم. درین زمینه باید دوستی افغان – شوروی رابحیث یك اصل وطنی ومردمی خودبیشتر توسعه و تحکیم بخشیم. دوستی افغان – شوروی چون کوه هندوکش استوار و پا یه دار است.

خلق زحمتکش مسلمان افغان همیشه بخاطر کمك های بزرگ و همه جانبه و بی آلایش اتحاد شوروی که به وطن ما صورت گرفته است ابراز سپاس عمیق مینماید.

باید همیشه بخاطر داشت که بر اساس اراده خلق ما دوستی و برادری افغان – شوروی ضامن تحکیم استقلال ملی کشور افغانها و پیروزی انقلاب ما است، که دست تجاوزگر امپریالیزم بین المللی در راس امپریالیزم امریکا و وابستگان آنرا در خاك مقدس وطن مان کوتاه میسازد و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ما را تضمین میکند.

در اخیر باید بخاطرداشت که وحدت حزب خود را که خون بهای شهیدان و قهرمانان حزب ما ست بنام شرف و ناموس وطن باید حفظ کرد.

حزب ما یك قلب واحد دارد و این قلب در سینه مردم دلیر و با شهامت افغان می تپد.

باید با ایمان و افتخار بوطن محبوب ما جمهوری دموکراتیك افغانستان خدمت کنیم. دور کمیته مرکزی حزب خود هر چه فشرده تر یکپارچه شویم و به دشمنان انقلاب ثور ضربه دندان شکن وکشنده وارد نمائیم.

دوستان عزیز! امو فقیت های مزید تانرا در کار شرافتمندانه آرزو مینمایم.

*

درملاقات، رفیق ظهور رزمجو عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و منشی کمیته حزبی شهر کابل نیز حضور داشت. وی از رفیق ببرك کارمل بخاطر پذیرفتن اعضای جرگه نمایندگان شهر کابل و ناحیه دهم شهر کابل ابراز امتنان و سپاس نمود.

باختر

پیام تبریکیه

(بقیه صفحه اول)

دول و خلقهای هر دو کشور که رفیق ویچیخ یاروزلسکی در امر بسط و گسترش آن نقش شایسته را ایفاء مینماید، پیروزی هرچه بیشتر خلق برادر پولند را تحت رهبری خردمندانه حزب متحد کارگری پولند در امر تحقق تصامیم تاریخی کنگره دهم حزب متحد کارگری در راه شگوفانی جمهوری مردم پولندو تحکیم صلح آرزو کردیده است.

باختر

ملاقات تودیعی

رفیق ظهور رزمجو عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و منشی کمیته حزبی شهر کابل قبل از ظهر دیروز در دفتر کارش با رفیق فکرت احمد جانوویچ تابییف سفیر کبیر و نماینده فوق العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که دوره ماموریتش در جمهوری دموکراتیك افغانستان به پایان رسیده است، ملاقات تودیعی بعمل آورد.

باختر

بازدید

محمدافضل خان رئیس پشتونخوا نیشنل دموکراتیك پارتی قبل از ظهر دیروز از خانه علم و فرهنگ اتحاد شوروی در کابل بازدید بعمل آورد.

در آغاز این بازدید علی یف رئیس خانه علم و فرهنگ در مورد کار و فعالیت این مرکز فرهنگی توضیحات داده و از آن خیر مقدم گفت.

باختر

رد ادعای بی اساس

شارژدافیر سفارت پاکستان در کابل ساعت ۱۱ر۳۰ قبل از ظهر دیروز بوزارت امور خارجه احضار و مطالب آتی توسط مدیر شعبه اول سیاسی بوی خاطر نشان گردید.

حکومت پاکستان بار دیگر ادعا نموده که گویا ازطرف قوای مسلح جمهوری دموکراتیك افغانستان بتاریخ ۲۳ جون سالجاری مسیحی دو بار منطقه دوبندی مربوط چمن و بتاریخ اول جولای ۱۹۸۶ منطقه شلمان مربوط خیبر ایجنسی مورد تجاوز قرار گرفته است

حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان بعد از تحقیق و بررسی همه جانبه، این ادعا ها را بی اساس وعاری از حقیقت دانسته و آنرا قاطعانه رد مینماید ومتذکر میگردد تا مقامات پاکستانی به اینچنین افترا آت خویش که نتیجه بجز وخامت وضع در سرحدات ندارد، خاتمه دهد.

باختر

انتخابات ارگانهای محلی قدرت واداره دولتی درجمهوری دموکراتیك افغانستان مظهر روشن از همبستگی خلل ناپذیر، اعتماد و پشتیبانی توده ها از اهداف انسانی انقلاب ثور بوده، راه را بسوی پیروزی های آینده خلق ما و شگوفانی جامعه افغانی می گشاید.

عکس ها: جریان انتخابات درولایت پکتیا و شهر میمنه ولایت فاریاب را نشان میدهد.

عکاسی هاشم و شریف



زندگی حزبی

سازمانها و گزینش کادرها

تجارب نشان داده که مسأله کادر ها مساله قدرت و تامین حاکمیت است. حزب بخاطر پیروزی انقلاب در تمام عرصه های حیات اجتماعی و اقتصادی به کادر های مطمین ووفادار به ارمانهای حزب و انقلاب ضرورت دارد. بمنظور تقویت رزمی حزب توجه دایمی به پرورش کادر ها با روحیه ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر از اهمیت به خصوص برخوردار است. درسیاست احزاب مترقی رشد، انتخاب، گزینش، برگماری و جا بجا نمودن کادر ها مقام برجسته دارد و کار با کادر ها عملا یك بخش از مشی ستراتیژیکی و تاکتیکی این احزاب محسوب میگردد. طوریکه می گویند:

((سرمایه ذیقیمت جهان پر بها ترین و قاطع ترین سرمایه همانا افراد یعنی کادرها هستند و کادر ها نه ازاسمان می بارد و نه از زمین می روید بلکه انسانهای اندکه باید تربیه گردند)).

فن رهبری دارای اهمیت به خصوص بوده که نباید از جنبش عقب بماند. زیراعقب ماندن از جنبش به معنی دور ماندن از توده ها و لی جلو رفتن از جنبش یعنی قطع رابطه با توده ها است این امر که نباید از جنبش عقب ماند ویا غیر طبیعی جلو رفت توسط کادر های مجرب که سیاست حزب را عمیقا درك نمایند، تحقق پذیرفته میتواند. بعد از بدست آوردن قدرت سیاسی و قلع و قمع ضد انقلاب، دربرابر حزب وظیفه این قرار می گیرد تا تمام عرصه های اقتصاد ملی از جمله صنایع، زراعت و غیره رشد و انکشاف نمایند که در قدم اول در مورد به کادر های فنی و تخصصی ضرورت احساس میگردد. چگونگی نقش رهبری کنندهٔ حزب ارتباط گسست ناپذیر با کادر های مجرب دارد که می توان کادر ها را ذیلا گروپ بندی نمود.

۱ – کادر ها که در بخش های مختلف یك کلکتیف را رهبری مینماید.

۲ – کادر های ریزرفی (نیروی ذخیره وی کادر ها) که برای پست های ریزرف تربیه می شود و معمولا کادر های ریزرفی، کادر های جوان می باشند.

۳– تمام متخصصین که در عرصه های مختلف اقتصاد ملی ایفاء وظیفه مینمایند کادر ها نامیده میشوند.

۴ – زحمتکشان که کار های مشخص فنی را انجام میدهند نیز کادر ها نامیده میشوند مثلا کارگریکه بالای ماشین مغلق کار مینماید و به آن بلدیت داشته باشد.

قابل تذکر است که وظیفه عمده حزب بمنظور تحقق اهداف مشخص این بوده تا تشخیص نماید که به چه تعداد کادر ها موجود اند و سپس به تقرر آن ها با در نظر داشت خصوصیات سیاسی، اخلاقی و کاردانی آنها اقدام صورت گیرد و بطور دایمی از آموزش و پرورش آنها مراقبت شود که این اقدام به اساس ایجاد کورس های ایدیالوژیکی و تخصصی و سیستم خودآموزی تحقق می پذیرد زیرا ((دانش قدرت است)) یا ((توانائی در دانائی است)).

در گزینش و جابجا نمودن کادر ها منشاء اجتماعی، آموزش فنی ومسلکی، تجارب واندوخته ها، دانش سیاسی، استعداد بر خورد و تقوای سیاسی درنظر گرفته میشود.

تمام موسسات وارگان ها باید جهت کار سیستماتیك با کادر ها برنامه مشخص را دارا بوده و بمنظورتدوین چنین برنامه در قدم اول تحلیل وانالیز صورت گیرد: چقدر کارمند با تفکیك جنس (مرد، زن) سطح دانش مسلکی، سن و غیره مشخصات درنظر گرفته شود زیرا بدون چنین پلان تحلیلی نمیتوان کادر های مورد نیاز را تربیه نمود. بطور مثال در پلان مشخص شود که شعبه یا شاپ جدید که در سال آینده در نظر است جهت تکمیل نمودن کادر های آن چه اقدام قبلی صورت گیرد.

پلان کار با کادر ها مشخص و دقیق بوده وهماهنگی بین ارگان ذیربط موجود باشد. کار با کادر ها را نباید یك کار تبلیغاتی شمرد بلکه کار با کادرها باید بصورت تداوم دار و سیستماتیك انجام یابد.

تقرر کادر ها در پست های مختلف از ثبات معین برخوردار باشد، زیرا تعویض بی مورد کادر ها در پیشرفت کار سکتگی بوجود می آورد. البته با در نظر داشت اینکه کادر های که توانائی کار را ندارند و یا در تطبیق پلان داده شده و مطروحه سهل انگاری مینمایند ویا با دارایی عامه برخورد دلسوزانه نمی نمایند بر خورد قاطع در سبکدوشی آنها صورت گیرد.

در نتیجه بصورت مختصر باید تذکر داد که در انتخاب کادر ها بصورت اخص نکات ذیل را بایددر نظر گرفت: اعتماد سیاسی، دانش مسلکی در پست موصوف، توانائی و استعداد رهبری موسسه، از اهمیت درجه اول بر خوردار است و توسط چنین کادر ها می توان اهداف خود را تحقق بخشیم.

خان محمد خرك

در امتداد قامت قله ها

(بقیه صفحه اول)

فرزندخوندسال خویش امیدوار است، این دو مسافر حاصل عرق جبین و ثمر آبله دستان خویش را به‌سلامت بیاورند ...

*

روز وشبی چند گذشت و مسافران وارد ولایت کندز گردیدند. اینجا مزارع برنج وگندم زار ها فراوان اند. عده زیادی ازمردمان روستایی محلات فقر زده وگرسنه، در بدل مزد روزانه بر زمین مالکان عرق می ریزند.

درمیان یکی از این کشت زاران بارور پدر و پسر یی در کنار هم باشتاب خستگی ناپذیری سرگرم دورواند. تیغه های داس در نور خورشید چون موج تندی پیهم می درخشند. آن طرف ظرف پراز آب را درسایه پلوانی نهاده اند.

دروگران دیگر نیز دراین مزرعه سرگرم کاراند. پدرو پسر مانند سایرین عرق آلوده وآفتاب سوخته اند. عرق چون قطره های باران بر صورت واندام پیر مرد جاریست وپسر نو جوان نیز حال بهتر از او ندارد. پدر مثل اینکه شکایتی بر لب آورده باشد، درحالیکه نفس عمیقی می کشید نگاه های خیره جانب‌آسمان دوخت، آنگاه صدا زد: جوره!

وبعد فرزند راکه گوش‌به فرمان، به اومیدید بااشاره دست جانب ظرف آب‌هدایت کرد. پسر آب آوردوپدربایك دست عرق جبین رااسترد وبا دست دیگر ظرف آبرا سر کشید وبه نقطه یی درمیان ساقه های بریده گندم خیره ماند وبه تفکر فرو رفت. او به چه می‌اندیشد؟ معلوم نیست.

گندم ها هنوز برزمین ایستاده اند و پیر مرد با پسرش همه‌را باید باتیغه های داس ببرند. درآن دور دست ها در میان دهکده یی زن وفرزند پیر مرد منتظر اند. وقتی این مزرعه تمام شود، آیا کار دیگری بامزد خوب میسر خواهد شد؟

* * *

فصل کار به پایان نرسیده است. دروزش هوای سرد، آمد آمد زمستان وسرما احساس میشود. پدر و پسر باره توشهٔ ازکار و زحمت و حاصل عرق ریزی بر مزارع دیگران، درباره راهی خانه اند. فاصله هاکوتاه و کوتاه‌تر شده میروند وباعبور از هر شهر، کوله بار مسافران نیز سنگین ترمیشود. روز بعد دهکده ((انج)) نمودار خواهد شدوحالا شب باید بسرآید.

مسافران درآخرین منزل توقف دارند ...

آفتاب باحرارت ضعیفی می تابد. دریای کوکچه باموج های تندی رهسپار دوردست هاست وهر دو رهرونیز شهر فیض‌آباد راترك می گویند. طبیعت سرکش کوهستان در مسیر ((راغ)) مانع شتاب در راه برای زود ترسیدن است ...

حالا خورشید در پس کوه ها فرو خواهد رفت و روز به پایان میرسد. پدر وپسراینك از آن بالا ها نمود دهکده رادر مسیر خویش ایستاده می یابند. مسافران باالندك توقف ورفع خستگی، بازدر مسیر خانه وجانب منتظران روانند. از فاصله نزدیك در کنار دیوار گلی دو کودك خورد سال چشم براه دوخته اند. معلوم نیست چرااز جمع کودکان فقط این دوبه حالت این گونه اندوه بار ایستاده اند. درست از همان لحظه که شبح دومسافر نمودار شدند، تاحال دیده براه دارند؟

پیر مرد وپسرش نزدیك ترمیشوند. هیجان هر دورا فرا گرفته است، اما پیرمرد نفس هایش تند ترانده. کودکان منتظر ناگهان بی هیچ اراده یی چند قدم جلو ترفته وباز بر چهره اینك قابل رویت مسافران خیره شدند. کودك بزرگتر مثل اینکه هر دو نان آور خانواده راشناخته باشد. با حرکات عجیبی که سر و پا گم کرده می نمود. دوان دوان وارد خانه‌شدولحظه‌یی بعد زنی به دنبال اوبیرون آمد. کودك بااشاره به‌آن دو غریب کوله بار بردوش، چیزی برزبان آورد، انوقت هر سه موجود حیران و در مانده‌گویی‌دنیایی نصیب شده باشند، جانب تازه واردان شتابان دویدند کودکان خویش رادر آغوش پدر افگنده، شادمانی‌طفلانه یی سر دادند ومادر جوره را در آغوش گرفته، اشك‌شادی می ریخت. آنشب در فضای زنده‌گی این خانواده فقیر شادمانی بزرگی دامن پهن کرد وگرسنگی گلیم سیاه خویش را بیرون کشید...

* * *

سال گرسنگی گذشت. آسمان ترحم کرد و باران باریدن گرفت. مزارع‌پربار شدند واحتیاج سفر به‌محلات دور احساس نمی شد. پسته‌چینی در دامن کوهستان ثمر آورد. جوره باپدر، مادر و برادران خویش شب های آنسال را بی گرسنگی بسر آوردند.

اما خرسندی نیز دیر پا نبود. جوره در یکی از گندم زار های نزدیك دهکده از بیماری ناگهانی پدر آگاه شد وکار رانیمه تمام رها کرده راهی خانه گردید. پدر که‌در لحظات آخر زنده گی دستو پامی زد، سر خویش را بر زانوی جوره نهاده یافت. و آنگاه باکلمات شمرده وآهسته آهسته نفس زنان رو به‌فرزند گفت: ((پسر جان پدر رفتنی شد ... عمرتو درازباد ...

گریه نکن حالا چشم امید این خانه .... تو هستی ... گریه نکن ... گریه نکن ...

جوره در حالیکه خود به سختی می گریست دو کودك گریان را که به هر دوکنار او نشسته بودند بخود فشرد ونداانست در حرکات محسوس لب های مرتعش پدر چه حرفی ناگفته فرو خفت و آنگاه جز گریستن و گریستن برای او چارهٔ باقی نماند.

رفت و آمد روز ها و شب ها که باز حمت و تلاش آغاز میشد و با خسته گی به پایان میرسید، سال بعد با اندوه بیشتر ادامه‌یافت. جوره پیوسته کار می کرد و عرق می ریخت و حاصل‌زحمات او برای مادر و برادران وی امید بزرگ ادامه حیات آنان بحساب می آمد. مدتها بر همین حال گذشت. یك‌روز ارباب محل به سراغ جوره آمد و به وی گفت: ((باید به خدمت سر بازی بروی)) بی سر پرستی خانواده دلیلی بحساب نیامد و جوره‌ناگزیر رخت سفربست.

آنوقت یگانه ملکیت‌کوچك این خانواده قطعه زمین‌مختصر آنان‌دربدل دوهزارافغانی به‌گرو ارباب در آمد و نصف این پول ناچیز را جوره به عنوان رهتوشه با خود گرفت. آنوقت ناگزیر خانواده خویش را رها کرد و هنگام وداع نتوانست دیده گان گریان و حسرت زدهٔ مادر و برادران کوچك خویش را نظاره کند...

* * *

جوانی با لباس سادهٔ دهاتی از کنار دکانها ومغازه های لوکس شهر کابل می گذشت. حالت او با آن نمود فقر زده چنان بود که گوئی هرگز شهر وبازاری ندیده و نفس تازه یی به‌ششهایش راه نیافته باشد، اطراف و جوانب را ذوق زده و حسرتبار نگاه می کرد. نفس های عمیقی فرومیداد و دکانها را یکا یك از نظر می گذراند. مرد دهاتی مقابل دکانی ایستاد و مثل اینکه گناهی مرتکب شده باشد فروشنده را با نگاه های پر تضرعی ورانداز کرد قدمی چند جلوتر رفت و سلام شکسته نفسانه‌یی بر زبان آورد. آنگاه بی‌انتظار جوان دست به جیب برد و کاغذ بسته را بیرون کشید، سخنی‌برزبان آوردودر بدل‌آن بسته، مقداری‌پول گرفت‌و بعدبا قدم های تندی شروع به‌راه رفتن کرد ...

دو روز بعد آن مرد جوان‌بار دیگر نزد صاحب دکان برگشت، پول‌های اورابازسپرد و کاغذ های خویش را دوباره تصاحب کرد. این جوان همان جوره بود که دو روز قبل‌دورهٔ خدمت سر بازی را به‌پایان‌رسانده‌وحالابا‌ریسمانی بر شانه در جاده های‌شهر برای کسب پول حمالی می کرد. او مدت بعد به هر کار شاقه یی تن سپرد گلکاری، چوب‌شکنی‌ومزدوزی آنوقت جزء مصروفیت های روزانهٔ او گردید.

جوره در پایان سال‌اندوخته های خویش را که هشت‌هزار افغانی بیش نمیشد برای مادر فرستاد و خود نفسی براحت کشید. چراکه توانسته بود بعد از آن همه خواری وفقر خانواده، اینك خدمتی برای آنان انجام‌دهد.

اما کار طاقت فرسا و بی وقفه طی این‌مدت او راناتوان ساخت. بنابران با خود اندیشید، بهتر است کار سادهٔ یی دست وپا کند و در آمدماهانهٔ خویش را در پایان سال برای اهل خانه‌بفرستد. او با همین تصور اتاق ها موسسات و دوایر دولتی را در پیش گرفت. مردی به ظاهر شریفی دست اوراگرفته بوزارت کلتور و قت برد ودر بدل معاش ماهوار ۱۳۰۰ افغانی بکارش گماشت و روز بعد به بهانه امانتداری اسنادهویت و ترخیص اورا نزد خود گرفت ...

جوره کار ((راحتی)) نصیب شد و در ازای این اقبال نیك برای هر گونه خدمتی کمر همت بست و مدد گار صادق خانه ودفتر آن مامورگردید...

* * *

. خورشید اندوهگین درچاه‌سار کوهستان مغرب‌دیده فرو بسته است. لحظهٔ بعدباز در بیکران هستی جغد شب پر وبال می گشاید. در این فضای غم گرفته و تهی از فروغ نور، مردی با گام های خسته، بارانتورنج بر دوش از جاده های شهر می گذرد. بسته یی‌بر شانه و کیسه یی بر دست آویخته دارد. حرکات او نا امیدانه وتاثر آور است. جوره این آدم بخت بر گشته را که‌مدت بیشتر از سه سال است، در بسیاری روز های پایان کار رسمی آذوقه و سودای روزانه آنمرد بظاهر شریف راحمل می کند، دکانداران ومردم کوچه و محل می شناسند. و وقتی اوبکوچه رسید نگاه دلسوزانهٔ فروشنده‌گان به‌این مرد غریب و ناگزیردوخته‌شد واوگریزان از این چشم های مهربان اما ناتوان در پیچ و خم کوچه ها نا پدید گردید ...

حالاشب برهمه جا تیره‌گی می‌بارد و جوره سر به بالین اندوه نهاده است اماخواب بر چشم های او راه‌نمی یابد. تصویر یاد ها و حوادث گذشته در برابر دیده گان او ایستاده است. جوره باز در غم جانکاهی دست وپا می‌زند ودریکایك این تصویرها خیره میشود: می بیند که با مردی مهربانی نشسته وراز غصه های خویش را با او در میان می گذارد. از جفای نامردانه یی حرف میزند که‌مامور حفظ و مراقبت‌وزارت درحق او روا داشته. معاش چند ساله را به بهانه پس انداز روز های تنگ دستی از او غارت کرده وتذکره و ترخیص‌او را باخودنگهداشته است.

جوره بخاطر می آورد که وقتی شنید مادرش‌بیمار است، خواست پول های خویش را از آن بی مروت‌بستاند و برای همین منظور به آمر کلوپ آنوزارت شکایت بردوآنگاه‌که دخالت او نیز ثمر نداد با مشورهٔ وی راهی ماموریت پولیس تنور خانه گردید. اما بجای داد خواهی بنام آنکه آبروی مرد شریفی رابرباد داده است، بیرحمانه سیلی خورد و ناامیدانه اشك‌ریخت.

جوره خاطرهٔ آنروز را که وقتی با دیدگان اشك آلود ماموریت پولیس را همراه باآن مرد ظالم ترك می گفت، اینك در این شب تاربه‌طرز برجسته یی در برابر خویش می بیند. آنروز مامور برسم تهدید بوی گفته بود: ((بازهم یاد خانه ومادر بسرت خواهد زد)) آنگاه جوره‌بی جواب، جز گریه چاره‌یی نداشت.

یادش آمد که مرگ مادر را بوی اطلاع داده بودند و لی‌او نتوانسته بود با کیسه خالی و بدون اسناد سر بازی‌و هویت تابعیت خویش قدمی فرا تر بگذارد.

. حالا جوره در این نیمه شب خاموش آخرین نگاه حسرتزده و دیده براه مادر را به تصور می آورد که در واپسین لحظات زنده گی نیز نتوانست فرزند نان آورخویش را ببیند. اما او نمیداند، مادر از شدت گرسنگی جان داده است، یا اندوه بیکسی.

* * *

دربستر دریای کابل سیلاب خشمگینی جاریست. زمین‌نم گرفته و کشتزاران‌سیر آبند خورشید بر آسمانی که‌اینك از هجوم ابر های سیاه فارغ است باگرمی دلپذیر وسخاوتمندانه یی حکمرو است. امروز هوا رنگ و بوی‌دیگر دارد. درختان سبز ینه پوشند و با قامت استوارشان در مسیر زمان ایستاده اند. نسیم خوشگوار می وزد. بهار امثال پیغام خوشی‌دارد.

جوره گوئی همه غم هایش رخت بر بسته اندو اینك بر قفس سینه سوزان او دردبی درمان سنگینی نمی کند، با قدم های آرام می بر جاده‌روان است و بر خلاف معمول از دیر رسیدن بر سر کار هراسی ندارد. جوره هنگام عبور از خیابان هاوچهار راهی های شهر صف طویل سر بازان و زرهپوش ها را ذوق زده و شادمانه می‌نگرد و ناخود آگاه در هیبت غرش تانك ها خشم فرو خوردهٔ خویش را سر برداشته‌می‌بیند صدای انفجار در لحظه های معین شنیده میشود. آواز فیر های پراگنده طنین عقده گشائی می آفرینند. جوره نمیداند چه خبر است، اما این صداها گوئی آوازچونان پتك گرانی است که بر آهن مذاب بکوبند، همه دردهای گره خورده را می شکنند وبا هر ضرب، از قفس آن سینه سنگ شده از درد او، زنگ ایام گذشته می ریزد.

دو تا مرغ آهنین پیکرچرخ زنان و شتابان همچو عقاب‌ها فراز آسمان روشن کابل‌در پروازاند. جانب مغاك‌کرگسان بیر یورش آورده اند وهنگام اوج دوباره سوی آسمان گوئی شیر درواز ه وآسمایی. بار دگر از خواب‌گران بر خاسته و این صدای گام های آنان است که هنگام عبور در دل شهر می پیچد ...

فردای آنروز همهمه عظیمی در شهر برپا بود. چار راه‌ها و خیابان ها رفته رفته در رقص و پایکوبی شادمانه مردم غرق می شدند. شهریان کابل سواران تانك هاوزرهپوش ها را با نثار گلبرگ ها تحسین و ستایش می‌کردند. جوره دسته گلی بر دست در مسیر اجتماع مردم راهی بود و فریاد های زنده باد انقلاب را که تا اوج کهکشان ها میرسید بارگ جان‌می‌شنید اومست هیجان دستهٔ گل را در میان جمعیت بسوی سربازان رها کرد وآنگاه فریاد های او نیز در تداوم هلهله مردم تا آسمان ها رسید ...

* * *

هوا سرد ودمه آلود است. دانه های برف با رقص مستانه یی بر زمین پا می نهند. بستر سیمگون طبیعت و آغوش گشادهٔ اودر این فضا همچنان سردو بی روح اند.

سربازان خارندوی بی هراس از هجوم لشکر بیشمار ملك یخبندان با گام های استوار بقریهٔ پا نهاده‌اند انجماد زمین در زیر قدم های سربازان می شکنند و ازتداوم این شکستن ها صوت حزینی بر می خیزد. مدت بعد که شب فرا میرسد در آمیزش این تن سرود و بال سیاه گله های گرگان وحشی مستی آغاز می کنند و جوره در میان جمعیت سر بازان بی زار از هجوم سیاهی جانب قریه روان است. در دل زنده این دهکده شب باید بسر آید... آنجا دور از قریه دره مارمول دهان گشوده است.

صبح دمیده و آفتاب نمودار است. سر بازان قطعه نمبر (۱) اوپراتیفی خارندوی قرار گاه خویش را به‌مقصد دره ترك گفته اند. ساعت بعد رزمنده گان خارندوی وارد ساحه عملیات می گردند. اینجا مغاك سر دسته آدمکشان است. عدهٔ بیشمار جانیان با سلاح و سهمات بیشتر رفته در عمق دره جا گرفته اند. و امکانات مهمی نیز در دست‌دارند آواز فیر های مداوم به گوش می آید، سربازان خارندوی زیر آتش دشمن قرار دارند. جوره وهمراهان او در جواب دشمن مواضع آتش آنان را بر رگبار بسته اند. سربازان اندکی بعد در جهت‌مواضع آدمکشان پیشروی کردند اما بلا فاصله آتش مرمی ها دو چندان بیشتر باریدن گرفت و آنان ناگزیر در کناره های دره مواضع گرفتند. اطراف این محل توسط سایر نیرو های‌قوای مسلح در محاصره گرفته شده‌است و خارندویان جز رزمنده گان این عملیات مشترك اند. دسته های پراگنده دشمن می کوشند سربازان را با استفاده از فرصت و نا آشنایی آنان بر خطوط عبور در محاصره نموده از میان بردارند و بنا بر آن رفته رفته احاطه حلقه را بدور آنان محدود می کنند. جوره بی هراس می جنگد و از افتادن احتمالی در محاصره بی خبر است اما سر انجام همه دانستند که موقعیت آنان لحظه به لحظه خطرناك می شود. دشمن از هر دو سمت بالای دره و جانب مقابل نزدیك میگردد. شب و گرسنگی هر دو فرا رسیده است،

اما این قله نزدیك چنان می نماید که گویی هنوز از دسترس دشمن بیرون باشد و دست یافتن به آن امکان نجات این دسته گیر افتاده‌را میسر میسازد.

معاون سیاسی با خود می اندیشد ویکایك سربازان را که هر کدام در گوشه ها و کناره های نزدیك سلاح بر دوش دارند. درنظر مجسم می کند و آنگاه جانب بلندی کوچك که جوره در پای آن موضع گرفته است روان می شود. آیا میتوان به‌این قله دست یافت؟ این سوال بر ذهن معاون سیاسی پیوسته تکرار می شود. باوجود خستگی وگرسنگی دو روزه کسی بسرعت پیش از دسته کوه بالا برود وسایرین را بدنبال خویش از خطر حتمی نجات دهد ...

جوره باشتاب اما بادقت و هوشیاری گام می گذارد قله بلندی زیادی نـدارد، اما شب آهسته آهسته همه جا گسترده می شود و گام نهادن در تاریکی اندکی دشوار می نماید وخستگی به این دشواری می افزاید. او در نیمه راه احساس می کند که تنها نیست و چون به عقب می نگرد، رحیم الله سر باز همرزم خویش رامی بیند که دنبال او شتافته است و آنگاه هر دو با کمك هم بالا میروند. قربانی در راه نجات دیگران و گام گذاشتن در صف نخستین احساس هیجان و افتخار آفریده است و هر دوسرباز لبریز از این اندیشه در هوای سرد و زمین برف آلود رهسپار فتح آن قله اند.

. جوره در نزدیکی های آخرین منزل آن قله درکناره پائینتر دسته دزدان را می بینند که جانب آنان می آیند. و همان دم میدانند که اگرلحظه یی‌بیشتر در بالا شدن و شتاب راه کندی می کرد، آنگاه اتفاق بدی رخ میداد. هر دوسرباز اندکی منتظر می‌شوند تاآن گروه سیاه دل به کام مرگ نزدیك ترآیند، دقایق بعد آتش ماشیندار جوره در وقفه های کوتاه و غیر قابل تصوری دره را چراغان کرد و منتظران در عمق‌دره با دیدن جرقه ها و شنیدن آواز آتش در کام اضطراب یاس آوری در افتادند. جوره تا همین دم که‌عده یی از این سیه‌دلان ویرانگر را از پا در آورده بود، این چنین لذت فاتحانه را در خویش احساس نمی کرد، اما با فتح این قله چنان غرق هیجان شدکه نتوانست فریاد پیروزمندانه یی از گلو بر نکشد ...

سر بازان با مشاهده علایم معین شده دانستند، آنجا در اشغال دشمن‌نیست مدت بعد رزمنده گان‌شب را در آن مکان نزدیکتر به آسمان‌بی‌هراس به‌سرآوردند.

شب به سر آمد و جوره هنوز در برابر خویش وظایف بزرگی رابرای انجام یافتن می دید: دره باید از وجود غارتگران پاك شود. زنان و مردان وکودکان اسیر دست دزدان باید رها شوند ...

ساعتی بعد جوره درصف‌مقدم سر بازان بی باکانه یورش برد و با استفاده از همین موقعیت حاکم مواضع سلاح سنگین دشمن به خاك یکسان گردید. جوره آخرین مرمی ها را بر جان آدمکشان فراری فرو پاشید و نعره های مست پیروزی در میان مغاره ها پیچید...

فردای آنروز که آفتاب‌بر سینه سرد زمین نورمی‌پاشید، سراسر دره از دود غلیظی پوشیده بود و جز صدای گامهای راهیان خسته از رنج راه آوازی به گوش نمی آمد.

جوره صف طویل ساکنان مارمول آزاد شده را می دید و چپاولگران دست‌بسته راکه برای انتقال به شهر مزار روی وسایط جا داده می شدند.

نور آفتاب تن خسته جوره را گرمای خواب آوری می بخشید واو در میان خواب و بیداری می دید که هنوز هم وظایفی‌بزرگی در پیش رو دارد. قله های دیگر نیز باید فتح شوند...

عبد الله

توده ها با درك حقانیت راه انقلاب از آرمانها ودست آورد های انقلاب ثورسلاح بر دوش دفاع می کنند.
در عکس: محمد اکبر یك‌تن از مدافعین انقلاب ولسوالی بگرامی — عکاسی هاشم نذیر

ازولایات

خبر نگاران ح.ا.ث گزارش میدهند

پکتیا

به ادامه تطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی و آب باخیرآ برای ۱۴۲ خانواده‌ازدهقانان بی زمین و کم زمین‌منطقه لشکرخیل و احمد زی رود مربوط گردیز مرکز ولایت پکتیا، اسناد رسمی ملکیت زمین توزیع گردید.

بهمین ترتیب هشتاد قطعه اسناد ملکیت زمین‌برای دهاقین ولسوالی سیدکرم نیز توزیع شد.

ننگیال منگل

سمنگان

اخیراً به ابتکار کمیته ولایتی سمنگان س.د.ج.ا، به منظور تربیه جوانان با روحیه وطن پرستی وآشتی ناپذیری با ضد انقلاب، اردوگاه نظامی جوانان و شاگردان لیسه ایبك طی محفلی به اشتراك عده یی از جوانان و شاگردان مکاتب وسربازان قطعات و جزوتام های قوماندانی خارندوی در قوماندانی ولایت‌سمنگان افتتاح گردید.

در محفلی که بدین مناسبت در قوماندانی خارندوی ولایت سمنگان‌ترتیب یافته بود عده یی ازمسوولین حزبی کارمندان کمیته ولایتی س.د.ج.ا، و موسسات دولتی ولایت سمنگان اشتراك ورزیده بودند.

غلام رسول

تحت درفش وحدت و همبستگی

پاکستان درگیر بحران

اعظم خان افریدی ازایجنسی خیبر که در ین اواخر به‌کابل آمده است ضمن مصاحبه یی گفت:

در طول دوره چندساله حکومت نظامی گرجنرال ضیاء مردم‌قبایل آزاداین‌حقیقت رابه خوبی درك کرده اند که سیاست داخلی وخارجی حکومت‌نظامی‌گر پاکستان مستقیماً وابسته به‌سیاست‌امپریالیزم امریکا میباشد. تعقیب‌سیاست ضد انسانی وضد مردمی دیکتاتوران پاکستانی در مقابل قبایل آزاد این واقعیت رابه خوبی به اثبات میرساند.

اکنون در پاکستان پروبلم های زیادی وجود دارد تعداد زیاد مردم از گرسنگی و عدم موجودیت غذای کافی رنج می‌برند وبیکاری سراسرجامعه پاکستان را فرا گرفته است. آزادی های دموکراتیك مردم سلب گردیده و نیروهای مترقی به زندان ها افگنده می شوند. اما جنرالان پاکستانی ازین همه پروبلم ها و امراض که سراپای جامعه پاکستان رافرا گرفته چشم پوشی می کند و پیوسته تلاش می ورزد تابودجه نظامی خویش را که مستقیما تحت کنترول‌ونظارت باداران امپریالیستی آنها میباشد، افزایش دهد. امپریالیزم امریکا تلاش میورزدکه پاکستان را باز هم بیشتر به پایگاه نظامی تبدیل‌نمایند وازآنها مطابق میل وخواست خویش در سرکوب نیرو های مترقی و نقض آزادی های معنوی وتاریخی قبایل آزاد کار گیرد و زمینه بیشتر مداخله در امور داخلی ج.د.ا، وکشور های منطقه را مساعد سازد.

مصاحبه‌کننده: جمیل

جرگه قومی

مظالم و جنایات غیر انسانی باند های ضد انقلاب افغانی بر قبایل آزاد باعث گردیده تا مردمان باشهامت قبایل به خاطر اخراج آنها از مناطق خویش از اسلحه کار گرفته و به مبارزه مسلحانه علیه آنها اقدام نمایند.

گزارش های واصله حاکیست که اخیرا بین باشنده گان ناوه گی مربوط قریه ملاخیل و گروپی‌از اشرار مربوط باصطلاح حزب اسلامی‌برخورد مسلحانه صورت گرفته که در نتیجه آن یکتن از اشرار کشته و یکتن دیگر شدیدا مجروح شده است.

در جریان این برخورد مسلحانه اقوام صافی به حمایت‌از مردم ناوه گی برخواسته وسه تن ازقوم صافی نیز مجروح گردیده‌اند.

بعد از ین‌برخوردمسلحانه اقوام صافی جهت اتخاذ تصمیم قاطع به خاطر اخراج اشرار از مناطق شان جرگه وسیع قومی را دایر نموده و فیصله نمودند که باید رفت و آمد اشرار در منطقه سور کمر صافی هرچه زود تر قطع گردد، در این جرگه‌همچنان فیصله بعمل آمد که باید انتقام سه تن از قوم‌صافی که بدست اشرار مجروح گردیده اند گرفته شود.

طبق یك گزارش دیگر جرگه وسیع قومی اقوام و قبایل سلطان خیل و پاینده خیل به اشتراك سران و مشران قومی در منطقه‌تیمرگره ضلع دیر دایر گردیده و سخنرانان در مورد فجایع اشرار که بدستور حکومت نظامیگر پاکستان در مناطق‌شان مستقر گردیده و دست به اعمال غیرانسانی می زنند صحبت نمودند. در جرگه فیصله شد که هر گاه رژیم پاکستان اشرار را از مناطق قوم مذکور اخراج نکند وبه اضلاع دیر، سوات و جنرال حیثیت ایجنسی راکه مکررا از دولت پاکستان تقاضا گردیده است ندهد در آن صورت اقوام غیور کوهستانی گجر، مشوانی، وردگ و یوسفزی اشرار را که در مناطق‌شان به‌قتل دزدی، غارتگری، رهزنی‌و چپاول دست میزنند بزور اسلحه اخراج خواهندکرد.

باختر

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

ضیافت در کاخ کریملین

هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی به افتخار فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه و خانم او پریشب ضیافتی در کاخ کریملین ترتیب داده بود. در این ضیافت سیاستمداران و شخصیت های دولتی فرانسوی که رئیس جمهور را در این سفر همراهی می کنند نیز حاضر بودند.

رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این ضیافت شام بیانیه ایراد کرده گفت:

عالیقدر آقای رئیس جمهور و خانم میتران، خانم ها و آقایان!

رفقا:

خرسند هستیم که در مسکو از رئیس جمهور جمهوری فرانسه و خانم او، اعضای حکومت فرانسه، نماینده گان عالی قدر فرانسه دوست استقبال می نماییم. استقبال گرمی که در پاریس از طرف ساکنین پایتخت فرانسه ازما صورت گرفت و صحبت‌های صمیمی و پر از صفایی که با رئیس جمهور و سایر سیاستمداران و دولتمداران داشتیم، در خاطره ما زنده است.

میخواهم دیدار کنونی شما از مسکو برایتان دلچسپ و خاطره انگیز باشد وشما را یاری رساند احساس کنید که خلق شوروی بیشتر به چه می اندیشند، طرحها و امید های شان در این لحظه حساس انکشاف جامعه شان چه می باشد، ماهیت ستراتیژی کنگره بیست و هفت حزب کمونیست اتحاد شوروی این است که همه امکانات اجتماعی، اقتصادی ودموکراتیک سوسیالیزم را به میان کشد و برای انکشاف ما و بهبود رفاه و خوشبختی مردم تحرک لازم را بدهد. ما پلانهای شجیعانه را پیشکش نمودیم وکار های وسیعی را آغاز نهاده ایم، و آنچه خود را توجیه نتوانند، کنار گذاشته ایم. سعی می ورزیم روش های نوین را بکار گیریم و در جستجوی راه های حل هماهنگ با ماهیت و ظایف امروزی می باشیم.

همه کشور به حرکت افتاده است آماده گی خلق شوروی که استعداد، توانایی، دانش وتجربه و انرژی خود را برای داعیه مشترک ارائه مینمایند، پر تحرک ترین لحظات در تاریخ دولت ما را تداعی می کند.

تطبیق پلانهای ما فقط در شرایط صلح ممکن است از این رو مشی عمومی در امور بین المللی این است: همه چیز برای استحکام صلح، برای ختم مسابقه تسلیحاتی.

با اقدامات مشخص پیشنهادات و اقدامات یکجانبه، اتحاد شوروی اراده خود را برای تغییر مشی خطرناک رویداد ها وبرای تامین این امر که بی‌اعتمادی و مخاصمت بالاخره جای خود را به همکاری معقول مبتنی بر آگاهی از مسوولیت مشترک برای سرنوشت جهان بدهد، نشان داده‌است.

من بارها گفته ام ما نمی خواهیم کسی را به عقیده خود برگردانیم و نه تلاش داریم که در عرصه شطرنج دیپلوماتیک برنده باشیم، هدف دیپلوماسی امروز را باید دیتانت تشکیل دهد. دیتانت پرثبات و دوامدار به نفع همه است.

این امر مقدم بر همه در اروپا صدق می کند زیرا تنها جنگ ذروی خطر همیشگی را متوجه آن‌نساخته است، در اروپا زیاده از یکصد و پنجاه کوره اتمی و صد ها فابریکه کیمیاوی وجود دارد. فقط چند مرمی توپ کافی است یک‌کوره ذروی را ویران نماید وزندگی تعداد زیادی را بگیرد. خواه سلاح عادی باشد یا غیر عادی در تصادم مسلحانه سبب فاجعه جهانی خواهدشد.

هر کسی می بیند که اروپایی ها از حالت‌تشنج خسته شده اند، آنها به فضای دیتانت نیاز دارند جدی بودن اوضاع بین المللی، افزایش خطر جنگ در این جا، در اروپا مخصوصاً با تندی بیشتر درک‌ولمس میشود. زیرادراروپاگروه‌های نظامی نیرومند مقابل یک دیگر قرار دارند. به‌بزرگی کوه های مونتن بلانک اسلحه انبار شده و مرمی های جدیدذروی جابجاگردیده‌است.

از جانب دیگر دراروپا است که تجربه ارزشمند همزیستی مسالمت آمیز دولت های دارای سیستم های مختلف اجتماعی چه اعضای پیمان های نظامی و یا بی طرف غنا یافته‌است. توانایی اقتصادی وسیاسی اروپا به پیمانه یی بزرگ است که خود با اطمینان و دقت بیشتر از خود سخن می گوید و در هرنوع مذاکرات پیشرفت آنرا مورد تاکید قرار می دهد.

لازم است تا این طرز تفکر که اروپا یک تیاتر عملیات است از بین برده شود. اروپا باید مثال همزیستی مسالمت آمیز میان دول مستقل مختلف و صلح‌دوست باشد، دولیکه از پیوند شان با یکدیگر آگاهی داشته و مناسبات میان یکدیگر را بر پایه اعتماد قایم می کنند.

راه اساسی به سوی این هدف از طریق نجات‌اروپا از (اتلانتیک تا اورال) از تسلیحات انفجار کننده ممکن است، اتحاد شوروی همراه با متحدین خود اخیرا یک تعداد پیشنهادات عمده را برای کاهش نیرو های مسلح و تسلیحات عنعنوی در اروپا پیش کش کرده است. این امر امکانات از بین رفتن واقعی ترس و هراس را چه تصنعی و چه واقعی، پیرامون اینکه امحای سلاح ذروی در اروپا تعادل قوا را به نفع کشور های سوسیالیستی تغییر خواهد داد، که به ادعای آنها در مورد تسلیحات عنعنوی صدق میکند، میسر خواهد ساخت.

بگذار با تمام این مسایل از یک شیوه جدید برخورد گردد، بگذار غرب در آن نوع تسلیحات خود که بیشتر دارد کاهش لازم بعمل بیاورد، در حالیکه ما در امحای (مازاد) آن نوع تسلیحات خویش که از آن اضافه داریم درنگ‌نخواهیم کرد، به عباره دیگر بگذار در جستجوی تعادل وتوازن به حداقل آن باشیم این وظیفه واقعبینانه و جدی است و ما حق داریم توقع یک جواب مثبت و جدی طرف مقابل را داشته باشیم



در کاخ کریملین ـ مسکو . عکاسی تاس، تیلی فوتو

گرچه اروپا بحیث جهان کهنه نامیده میشود با آنهم یک احساس جدید حساسیت تغییرات تاریخی در آن‌دیده می شود. این امر ازپیدایش یک پدیده واقعی که به‌مثابه پروسه اروپایی یا (روحیه هلسنکی) خوانده میشود، هویدا است. این پروسه آزمایشات ابتدایی‌را سپری کرد و به جستجوی ثبات و صلح در اروپا ادامه می دهد.

این پروسه باید در تمام جهات پیش برده شود. جهات سیاسی، اقتصادی، بشری و فرهنگی. هر سه طرف (هلسنکی) باید از میوه های تازه و مفید پر گردد، چنین است برخورد ما به اجتماع مهم اروپا در آینده که در آن نماینده‌گان کشور های عضو سند هلسنکی در ویانا شرکت می ورزند.

ما عقیده داریم که این اجتماع نقطه چرخش را به سوی بهبودی در اروپا مشخص خواهد ساخت وما آماده هستیم تا آنرا بهبود بخشیم، می خواهیم در این زمینه به همکاری فرانسه وسایر کشورها حساب کنیم

مگر مرحله نخست‌کنفرانس ستکهلم قبل از آغاز کنفرانس ویانا پایان خواهد یافت. وضع در آنجا نگرانی ها یی را تبارز میدهد، به پایان آن وقت کم باقی‌مانده و تمام شرکت کننده گان باید از خود یک برخورد مسوولانه و انعطاف پذیر نشان بدهند. صرف امتیازات متقابل جدی بر اساس مساوات و امنیت برابر است که میتواند پیروزی آنرا تامین کند. اتحادشوروی و فرانسه که پایه اجتماع ستکهلم را تشکیل می دهند، اکنون هم میتوانند توافقاتی را جهت بهبود آن عقد نمایند.

موضوع حقوق بشر اکنون یعنی در آستانه قرن ۲۱ خیلی حاد شده است. مردم تحمل وحشی گری ها و بی قانونی ها را در داخل کشور های شان و درمناسبات بین المللی رد می کنند و این کاملا امر طبیعی است، زیرا سطح تمدن را بازتاب میدهد. ما با عالی ترین محک ها هم دررابطه با مساله تجسم آرمانهای پیشرفته عدالت اجتماعی و هم به مثابه جزء سیستم همه جانبه امنیت بااین‌مساله برخورد می نماییم، این موضوع در کنگره ۲۷ ما بیان شد.

پیدایش جامعه شوروی را پیروزی یک انقلاب‌بزرگ ممکن ساخت انقلابیکه برای نجات خلق ها وتامین دسترسی دهها ملیون انسان زحمتکش به حقوق شان بسر رسید.

یک ملت فاقد حقوق به گونه ایکه تلاش می شود از خلق شوروی امروز تصویر سازی کنند، به هیچوجه نه خواهد توانست جهانرا با تبدیل یک کشور عقب‌افتاده به یک قدرت بزرگ که با اطمینان راه رشد را می پیماید به حیرت اندازد. طبعاً مابه ارزش های شیوه زنده گی سوسیالیستی متعهد هستیم و به دست آورد های آن می بالیم اما نمی‌خواهیم به آنچه بدست آورده ایم دل خوش کنیم، دست روی دست بنشینیم.

برای رشد بیشتر دموکراسی سوسیالیستی امکانات عظیم تری را می بینیم و این وظیفه نخستین ماست تا آنها را به کار بگیریم.

دررابطه با مسایل بشری نیز آماده ایم در عرصه‌بین‌المللی همکاری نماییم و این ها سخنان محض نیست، ما در پی راه های عملی در این عرصه می باشیم.

اما طور مثال در کنفرانس برن روی تماس های بشری چه اتفاق افتاد. در رابطه با حصول موافقتنامه در این زمینه نزدیک بود پیشرفتی حاصل شود، اما ایالات متحده امریکا این امکان را از بین برد. آنهم اتحاد شوروی به طور یکجانبه روی این پیشنهادات که درکنفرانس برن‌مطرح‌شد، کار می نماید.

برعلاوه اتحاد شوروی آماده است مسوده برن را با وجودیکه پذیرفته نشد عملا در مناسبات دوجانبه خود با کشور ها ییکه می خواهند با ما به موافقه‌برسند، پیگیری نماید.

آقای رئیس جمهور! دیدار ما با شما تقریبا بیست سال پس از دیدار تاریخی‌شارل دوگول از اتحاد شوروی صورت میگیرد. این دیدار نه‌تنها درمناسبات شوروی‌فرانسه باب نوین را گشود بلکه سبب تغییر مثبت در عرصه اروپا نیز گردید.

طی این بیست سال‌عملا ثابت شده وقتیکه هر دو جانب خاصتاً قدرت های بزرگ در سطح دولتی در انکشاف تماس های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از خود اراده و نیت نشان دهند به نفع هر کدام می باشد می خواهیم شوروی و فرانسه همچنان مثالهای خوبی از این نوع را که سخت مورد نیاز اروپا و سراسر جهان است، برقرار سازند.

ما به همکاری اقتصادی، علمی و تخنیکی با فرانسه اهمیت زیاد قایل هستیم و هم در عرصه های مهم مانند استفاده مسالمت آمیز از کیهان، انکشاف رژیم مطمین و مصئون برای انجنیری برق ذروی و غیره.

اتحاد شوروی قاطعانه می خواهد عرصه های همکاری بین اتحادشوروی و فرانسه را وسیع تر سازد و هرآنچه بتواند، برای احیای مذاکرات شوروی و فرانسه به مثابه محرکه میلان های معقول در عرصه سیاست جهانی انجام خواهد داد.

طبق یک خبر دیگر فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه در ضیافتی که از طرف هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ترتیب یافته بود گفت: مذاکراتی که انجام دادیم و خود را به آن متعهد می‌دانم برای بهبود خلق های ما، امر اساسی و برای انکشافات جهان مثمر و مفید است.

فرانسوا میتران افزود: اروپا باید واقعا بار دیگر در تاریخ خود نقش پراهمیتی را بازی کند، نقشی راکه یک عامل ثبات و آرامش در مناسبات بین المللی باشد.

آنکه سی و پنج کشور در کنفرانس هلسنکی روی تعدادی از اصول نکات مشخص به موافقه رسیدند ما آنرا به مثابه پیشرفت تلقی می کنیم، با آنهم لازم است که اقدامات مشترک که روی آن توافق حاصل شده به پیمانه وسیعتر در عمل پیاده شود.

وی افزود: ازآن جاییکه این امکان میسر نیست تا امنیت را روی اعتماد چیزیکه در پی ساختمان آن می‌باشیم بنیاد نهیم، از این رو مجبوریم آنرا بر توازن نیرو ها اساسی گذاریم.

فرانسوامیتران یاد آور شد که: فرانسه مذاکرات اتحاد شوروی و ایالات‌متحده امریکا را در ژنیو ازنزدیک تعقیب می کند و آرزو دارد هر دو قدرت بزرگ نظر به مسوولیتی که دارند به نتایج مشخص و مهم برسند.

فرانسه مسایل مربوط به کیهان را نیز تعقیب می کند فرانسه گفته است که استفاده از کیهان برای مقاصد نظامی از قبل شروع شده اما فکر می کند جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی جدید خیلی ها مهم است.

رئیس جمهور فرانسه گفت: پیشنهاد شوروی را در رابطه با کاهش سلاح غیر ذروی که در ۱۸ اپریل ارائه شد در بیانیه بوداپست مورد تاکید قرارگرفت با علاقمندی مطالعه‌نموده

فرانسوا میتران در این بیانیه خود به قهرمانی خلق شوروی که چهل سال پیش در مبارزه علیه فاشیزم و غلبه بر آن، قربانی های زیاد دادند ادای احترام نمود. وی گفت: خلق شوروی بدین ترتیب صفحه درخشانی را در تاریخ خود گشود و میراث مشترک مارا غنا بخشند.

باختر

مذاکرات رسمی

رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی با فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه پریروز در کریملین مذاکره نمودند.

آنها مذاکرات سیاسی شان را پیرامون مسایل عمده اوضاع جهانی که سال گذشته در پاریس‌آغاز شده و پر تشنج باقی‌مانده و مستلزم تخفیف است، ادامه دادند.

رفیق میخائیل گرباچف پایه اساسی سیاست خارجی اتحاد شوروی را در مرحله موجود توضیح نموده و پیشنهاد های اخیر آن کشور و اقدامات برای عادی شدن اوضاع جهانی رابرشمرد.

طرفین دلایل مربوط به علل اوضاع موجوده را مورد رسیده گی قرار داده و به پایان یافتن مسابقات تسلیحاتی توجه خاصی مبذول داشتند. آنهااظهار اطمینان کردند که بهبود اوضاع در این عرصه ممکن است.

رفیق میخائیل گرباچف اظهار امید نمود که نقش عمده فرانسه در امورجهانی به چنین تغییری کمک خواهد کرد.

این مذاکرات که هر دو رهبر اهمیت‌آنرا یادآور شدند دلچسپ و مفید بوده و با روحیه صمیمانه و ارزومندی تفاهم متقابل و در فضای اگنده از احساس مسوولیت عالی به خاطر اروپا، امنیت بین المللی و برای چگونگی وضع مناسبات شوروی ـ فرانسه سپری گردید. تبادل نظر با تفاهم متقابل که در دستیابی به نتایج مثبت مشخص کمک خواهد کرد، ادامه خواهد یافت.

باختر

پاکستان: افزایش ناآرامی ها

در جریان تظاهرات‌ضد رژیم مستبد اسلام آباد که‌به مناسبت پنجمین سالگرد کودتای نظامی ضیاء الحق در سراسر پاکستان برپا شده بود دست کم یک نفر به قتل رسیده و چندین نفر دیگر مجروح شده اند.

مرگ این تظاهر کننده در اثر حمله پولیس بر تظاهر کننده گان در شهرک تند و محمد خان واقع در یک صد و شصت کیلو متری شمال‌شرقی کراچی اتفاق افتاده است.

این یکی از صدهاتظاهرات ضد رژیم خودکامه اسلام آباد بود که درنهمین سالروز کودتای نظامی که مردم پاکستان آنرا تاریکترین روز در تاریخ پاکستان خوانده اند برپا شده است.

بینظیر بوتو در گردهمایی وسیعی که در کراچی دایر شد سخنرانی کرد.

وی یکبار دیگر خواستار آن شد که انتخابات سراسری بر اساس شرکت تمام احزاب سیاسی و بروفق قانون اساسی سال ۱۹۷۳ قبل ازسال ۱۹۹۰ تدویر یابد.

طبق یک گزارش دیگر در نقاط مختلف شهر پشاور و اطراف آن تظاهرات بر پا گردید.

گزارش حاکیست که از طرف تظاهر کننده گان بیرق های سیاه در جاده های عمده شهر پشاور و اطراف آن شهر به اهتزاز درآورده شد شرکت کننده گان این تظاهرات علیه ضیاء الحق سردمدار رژیم دیکتاتوری پاکستان شعار میدادند.

آفتاب شیرپاو رئیس بخش ولایتی پیپلز پارتی پاکستان و همچنان نظیر الله بابر جنرال متقاعد و گورنر سابق پشاور در این اجتماع بیاناتی ایراد کردند.

آنها برکناری ضیاء الحق را خواستار شده و گفتندکه انتخابات تازه بر مبنای دموکراتیک آن و با سهم‌گیری تمام احزاب سیاسی در پاکستان دایر گردد.

شیرپاو ضمن تماس به انفجار های اخیر در شهر پشاور و سایر حصص آن گفت این امر نشانه‌یی از نارضایتی مردم پاکستان در قبال سیاست ضد دموکراتیک اسلام آباد است.

وی گفت رژیم اسلام آباد در قبال حل اوضاع اطراف افغانستان از خود جدیت و صداقت نشان نمیدهد.

شیرپاو علاوه کرد رژیم نظامی حقوق اساسی‌مردم پاکستان را زیر پا نهاده وطی دوران زمامداری ضیاء الحق ارزش های دموکراسی ظالمانه پایمال شده‌است.

وی گفت: در پاکستان کسانی که خواستار عدالت و حقوق اساسی گردیده اند بیرحمانه دره خورده و بدون محاکمه راهی زندان شده اند.

بخش زنان پیپلز پارتی پاکستان نیز اجتماعی‌را در شهر پشاور دایر کردکه بیگم ملکه میر من نثا ریاست آنرا بعهده داشت.

در این اجتماع چندین‌تن از زنان سخنرانی کرده و سیاست ظالمانه رژیم اسلام آباد را بباد انتقاد گرفتند.

اجتماعات و تظاهرات ضد رژیم در دیره اسمیل‌خان و سایر حصص علاقه ملاکند پشاور برگزار گردید.

باختر

زیر نظر هیئت تحریر — مدیر مسوول : صدیق کاوون